

## پرتو امید

شاعر: حافظ شیرازی

قالب شعر: غزل

اثر: دیوان شعر

## واژه های مهم مقدمه

فرزانه: اندیشمند	زیستن: زندگی کردن
ژرف: عمیق	عواطف: احساسات
تباهی: نابودی	برجسته: ممتاز، عالی
طعن: سرزنش	جسورانه: شجاعانه
هجو: بدگویی، سرزنش	لعن: نفرین
انتقاد: جدا کردن خوب از بد، بیان خوبی ها و بدی های یک چیز	رهنمود: راه راست

## بیت اول:

یوسف گم گشته، باز آید به کنعان، غم مخور  
کلبه احزان، شود روزی گلستان، غم مخور

کنعان: نام سرزمین

احزان: غمها

نثر روان: گمشده تو دوباره به سرزمین خود برمی گردد و خانه غم و اندوه، دوباره به شادی تبدیل می شود. نگران نباش.

یوسف، کنعان: ← مراعات نظیر

کل بیت ← تلمیح به داستان حضرت یوسف

## بیت دوم:

ای دل غم دیده، حالت به شود، دل بد مکن  
وین سر شوریده، باز آید به سامان، غم مخور

به: بهتر

شوریده: آشفته

سامان: آرام، قرار

نثر روان: ای دل درد کشیده، ناراحت نباش حالت بهتر می شود و آشفته های فکری تو آرام و قرار پیدا می کند.

ای دل غمدیده: ← تشخیص ✨ شوریده، سامان: ← متضاد

دل بد مکن ← کنایه از نگران نباش ✨

#### بیت سوم:

دور گردون، گر دو روزی بر مراد ما نرفت

گردون: آسمان ✨ مراد: حاجت ✨ دائماً: همیشه ✨

نثر روان: اگر گردش روزگار، چند روزی مطابق میل ما نبود ناراحت نباش زیرا گردش روزگار همیشه یکسان نیست.

واج آرایی: ← در حرف ر ✨

#### بیت چهارم:

هان مشو نومیدا! چون واقف نه‌ای از سر غیب

واقف: باخبر، آگاه ✨ نه‌ای: نیستی ✨ غیب: پنهان ✨ اندر پرده: پشت پرده ✨ نومید: نا امید ✨

نثر روان: ناامید نباش زیرا از اسرار غیب، آگاهی نداری و بازی‌های پنهان زیادی پشت پرده خلقت وجود دارد.

#### بیت پنجم:

ای دل ار سیل فنا بنیاد هستی بر کند

فنا: نابودی ✨ بنیاد: ریشه ✨ هستی: دنیا ✨ نوح: منظور خدا ✨ توفان: اینجا یعنی مشکلات ✨

نثر روان: ای انسان اگر نابودی مثل سیل، تمام دنیا را نابود کند غصه نخور زیرا کسی مثل حضرت نوح «خدا» کشتیبان و مراقب تو است.

ای دل: ← تشخیص ✨ سیل فنا: ← تشبیه فنا و نابودی به سیل ✨

بنیاد هستی برگند: ← کنایه از نابودی ✨ کل بیت: ← تلمیح به داستان حضرت نوح ✨

#### بیت ششم:

در بیابان گر به شوق کعبه، خواهی زد قدم

مغیلان: گیاه خاردار، در اصل به معنی مادرِ غولان و دیوها ✨ کعبه: منظور هر هدفی که انسان دارد ✨

نثر روان: اگر به اشتیاق خانه خدا قدم در بیابان گذاشتی، از سرزنش‌های درختچه‌های خاردار ناراحت نباش.

معنی دیگر: کسی که هدفش کعبه است و مقصود به این بزرگی دارد، اگر در بیابان دچار سختی شود، ناراحت و ناامید نمی‌شود.

## بیت هفتم:

گرچه منزل، بس خطرناک است و مقصد، بس بعید      هیچ راهی نیست، کان را نیست پایان، غم مخور

بعید: دور

نثر روان: اگرچه استراحت‌گاه‌های بین راه، خطرناک است و مقصد بسیار دور است، غصه نخور زیرا هیچ راهی نیست که پایان نداشته باشد.

منزل، مقصد، راه: ← مراعات نظیر

## بیت هشتم:

حافظا! در کنج فقر و خلوت شب‌های تار      تا بود وردت دعا و درس قرآن، غم مخور

ورد: ذکر، دعای زیر لب

نثر روان: ای حافظ در لحظه‌های فقر و تنگدستی، به دعا و قرآن پناه ببر و غصه نخور.

ورد، دعا، قرآن: ← مراعات نظیر      حافظا: ← تخلص

## دانش ادبی: تخلص

**تخلص:** اسمی است که شاعر برای خود در نظر می‌گیرد و معمولاً در پایان شعرش می‌آورد. تخلص، نام شعری شاعر است.

مثال:

سعدیا مرد نکونام نمیرد هرگز	مرده آن است که نامش به نکویی نبرند	« سعدیا: تخلص »
شهریارا بی حبيب خود نمی‌کردی سفر	این سفر، راه قیامت می‌روی، تنها چرا	« شهریارا: تخلص »
زهد نظامی که طریقی خوش است	زیر نشین علم زرکش است	« نظامی: تخلص »